

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضاء در سندرجات جدول ذیل، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب..... با شماره داوطلبی..... با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره صندلی خود را با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخنامه و دفترچه سؤالات، نوع و کدکنترل درج شده بر روی دفترچه سؤالات و پاتین پاسخنامه ام را تأیید می‌نمایم.

امضاء:

- ۱- معنی هر یک از واژه‌های زیر به ترتیب، کدام است؟
«تعبیر، سامان، آسرا، خیره‌سر»
- (۱) بیان کردن، امکان، اسیر کردن، لجوج
(۲) نگرش، رونق گرفتن، در شب سیر کردن، آگاه
(۳) نگرش، درخور، میسر ساختن، گستاخ و بی‌شرم
(۴) بازگویی، میسر، در شب سیر کردن، گستاخ و بی‌شرم
- ۲- کدام مورد می‌تواند پاسخ مناسبی برای تعداد بیشتری از معانی واژه‌های زیر باشد؟
«رایت، برافراختن، مشیت، آماس، هان، جرس»
- (۱) آگاه باش، زنگ، درفش، بلند کردن
(۲) بیرق، برافراشتن، ورم، پهنه
(۳) بلند کردن، زودباش، لرزیدن، پرچم
(۴) برافراشتن، آگاه باش، پیشگاه، اراده
- ۳- معنی چند واژه «درست» است؟
(ورطه: گرفتاری)، (شوخ: آلودگی)، (بدسیگال: بدفرجام)، (تقریر: نگارش)، (فراز آمدن: پیروز شدن)، (فتیاض: سرشار و فراوان)، (آورد: کارزار)، (تالاب: برکه)
- (۱) سه (۲) چهار (۳) پنج (۴) شش
- ۴- املائی درست واژه‌ها به معانی «وقت، برگزیده، خوب رو بودن، صاحب جمال، ساییده شدن» کدام است؟
(۱) جسیم، اثنا، خورد رفتن، ترفیع، ملاهت
(۲) قسیم، خورد رفتن، اوان، صفوت، ملاحه
(۳) ملاحه، غسیم، خرد رفتن، فایق، اثنا
(۴) نسیم، صفوت، خرد رفتن، طاق، عوان
- ۵- در کدام عبارت غلط املایی وجود دارد؟
(۱) در همه حال از مکر و غدر ایمن ننتشیند و اندیشه کند تا حاسدان فرصت غنیمت شمارند.
(۲) چندان که تواند با غریب و خویش و خاص و عام تواضع و موالات کند که به جاه و مقام زیان ندارد.
(۳) در چشم غریبان روا باشد پادشاه را مهیب نشستن و هیبت نمودن؛ اما در خلوت خاصان گشاده‌روی.
(۴) در موعظه را در سلک عبارت کشیده و به شهد ظرافت برآمخته تا تبع ملول ایشان از دولت قبول محروم نماند.
- ۶- املائی کدام عبارت، درست است؟
(۱) فقر، رباینده مروت، زایل‌کننده زور و هیبت و مجمع شر و آفت است.
(۲) وی مرا در این بيقوله بیکاری باز جست و آنچه در طلب آن بودم مرا عطا داد.
(۳) گفتم دون است و بی‌سپاس و سقله که به زره‌ای تغیر حال از مخدوم قدیم برگردد.
(۴) همگان بدین الطاف که از حضرت آفریدگار عزوجل در حق ما می‌فرماید، شادی و احتزاز نمایند.
- ۷- در کدام بیت آرایه‌های «مجاز، حسن‌تعلیل، استعاره و جناس» یافت می‌شود؟
(۱) لاله که به دل گره شدش دود
(۲) ابر از آن بر سر گل‌های چمن زار بگرید
(۳) دل‌ها به شام زلفش نام سحر ندانند
(۴) شب قراق تو در خون خویش می‌خفتم
- از آن من است حسرت‌آلود
که خزان بند و آشفتن گل‌های چمن‌زار
کاین جا کسی ندیده است دیدار صبحدم را
ز بس که هر سر مویم چو نیشتر می‌گشت

- ۸- بیت زیر به کدام آرایه‌های ادبی آراسته شده است؟
 «گر چو ذره وصل خورشید درفشانت هواست»
 (۱) استعاره، اغراق، ایهام، مجاز
 (۲) تشبیه، کنایه، مجاز، حسن تعلیل
 (۳) کنایه، استعاره، ایهام، جناس
 (۴) تشبیه، حسن تعلیل، استعاره، اغراق
- ۹- آرایه‌های مقابل همهٔ ابیات «کاملاً» درست است؛ بجز:
 (۱) آن‌که از بخت جوان تا به سر تخت نشست
 (۲) دل یک سلسله دیوانه به خود می‌پیچد
 (۳) شاخی از سرو خرامندهٔ او شمشاد است
 (۴) مطرب از گوشهٔ چشم چه نوایی سرکرد
- ۱۰- آرایه‌های «استعاره، اغراق، حس آمیزی، ایهام و حسن تعلیل» را به ترتیب، در کدام ابیات می‌توان یافت؟
 الف- از نهب آه من بیدار ماند تا سحر
 ب- از غم نادیدنت اندام من چون موی شد
 ج- نرگس عروس‌وار خمیده به طرف جوی
 د- در چشم نرم توست اگر پرده‌های خواب
 ه- چشم ستاره می‌پرد از شوق آه تو
 (۱) ج - الف - د - ب - ه
 (۲) ج - الف - د - ب - ه
 (۳) د - ب - ج - ه - الف
 (۴) ه - ب - د - ج - الف
- ۱۱- در کدام عبارت «مفعول، دو صفت مضاف‌الیه، شاخص و منادا» یافت می‌شود؟
 (۱) می‌گویند «حاج احمد آقا! پسر گل گلاب! دشمن عن‌قرب است که توی این دشت وسیع عملیات کند.»
 (۲) اشاره به احمدرضا می‌کنم و می‌گویم: «حاجی! به نظر من حقیر این لگد آخری که احمدرضا خان به الاغ زد، اضافی بود.»
 (۳) می‌گویم: «حاج آقا! شما هر چه دستور بدهید به دیدهٔ منت، اما برادر من! دشت است زمین فوتبال‌دستی محله نیست که نوکرتم!»
 (۴) می‌گویند: «مؤمن خدا! ما که باشیم که شما را سرکار بگذاریم. به هر وسیله‌ای که شده مین‌ها را توی دشت وسیع، روبه‌روی دشمن کار بگذارید.»
- ۱۲- الگوی کدام مصراع‌ها «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است؟
 الف- مرا در نهانی یکی دشمن است.
 ب- رخ شاه کاووس پرشرم دید.
 ج- مرا مادرم نام مرگ تو کرد.
 د- که رهام را جام باده است جفت
 (۱) الف - ج (۲) الف - د (۳) ب - ج (۴) ب - د
- ۱۳- «ضمایر متصل» در کدام بیت نقش «مضاف‌الیه و مفعول» دارد؟
 (۱) غمزهات می‌ریخت خونم گفتم این از چیست؟ گفت
 (۲) خاکم به باد دادی از دل مشو غبارم
 (۳) خاک پایت شد سر من بر سر من می‌گذر
 (۴) تو می‌روی و برآتم که در پی تو برانم
 (۱) الف - ج (۲) الف - د (۳) ب - ج (۴) ب - د
- ۱۴- نقش قسمت‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب، کدام است؟
 «میان باغ حرام است بی‌تو گردیدن»
 «که خار با تو مرا به که بی‌تو گل چیدن»
 (۱) نهاد، مفعول، مسند، نهاد
 (۲) مسند، مفعول، مسند، متمم
 (۳) مسند، متمم، مفعول، نهاد
 (۴) نهاد، متمم، مسند، متمم

۱۵- با توجه به ابیات زیر کدام مورد غلط است؟

«دلیران و مردان ایرانزمین
خروشان و جوشان به کردار موج»
هزیران جنگ‌آور روز کین
فراز آمدند از کران فوج فوج»

(۱) «فوج فوج» یک گروه قیدی و «موج» مضاف‌الیه است.

(۲) کل سروده یک جمله ساده است و دو «واو» عطف در آن یافت می‌شود.

(۳) «ن» در واژگان سه بار نشانه جمع و دو بار به نشانه صفت فاعلی آمده است.

(۴) ابیات به شیوه بلاغی سروده شده است و فقط «یک ترکیب وصفی» در آن وجود دارد.

۱۶- کدام بیت با بیت زیر، تناسب مفهومی دارد؟

«هر در بخت بد فرود آید
این از نهنگی است همانا که نرسد»
هر که گیرد عنان مرکبش از
از گرسنگی خویش حرامی ز حلالی
کسی را کش برآرد از دندان
کسی را کش برآرد از دندان
که زیر بند جهل و بار آزی
که زیر بند جهل و بار آزی
لیک نباشد گلش مگر همه جز خار
لیک نباشد گلش مگر همه جز خار

۱۷- کدام بیت بیانگر مفهوم عبارات زیر است؟

«خدا در همه جا هست؛ در هر کجا که به تصور درآید، هر جا بروی جز خدا نخواهی دید.»

(۱) حیرت مرا به عالم وحدت کشیده است
(۲) دریاب که نقشی ماند از لوح وجود من
(۳) نقش کثرت چو بشستند ز لوح دل خود
(۴) نیست آیین دویینی چشم وحدت پیشه را

۱۸- کدام ابیات با یکدیگر تناسب مفهومی دارند؟

الف- شربت شهد شهادت کی به کام دل رسد
ب- مبیح ای بی جگر زنه‌ار از تیغ شهادت سر
ج- گر حیات جاودان بی عشق باشد مرگ باشد
د- من ایـرانیم آرمـانم شـهادت
هـ- زندگانی گر کسی بی عشق خواهد من نخواهم

(۱) الف - ج
(۲) ب - د

۱۹- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

(۱) ای بادیه هجران تا عشق حرم باشد
(۲) روی در بیت الحرام عشق دارد آفتاب
(۳) گر در طلبت رنجی ما را برسد شاید
(۴) مغیلان چیست تا حاجی عنان از کعبه برپیچد

۲۰- مفهوم آیه شریفه «إِذْ هَبْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا...» از کدام بیت دریافت می‌شود؟

(۱) سازگاری پیشه کن شاید بسازد با تو چرخ
(۲) ز من چون پرتو خورشید ناسازی نمی‌آید
(۳) در اقلیم مدارا ضعف بر قوت بود غالب
(۴) چشم بیمار تو، جان داروی شوقی مجشاد

وز نسازد با تو از ناسازگاری گو مساز
اگر خاری به دامانم درآویزد ز پا افتم
به مویی می‌توان کوه گرانی را کشید آنجا
گر مداوای دل من به مدارا نکنی

۲۱- کدام بیت با بیت زیر «هم مفهوم» است؟

«از سر تعمیر دل بگذر که معماران عشق
(۱) طلاق و صبر و سکون در سر کار دل شد
(۲) معمار خانه‌های کهن را کند خراب
(۳) دل شکسته بود گوهر یگانه عشق
(۴) هر که شد محو جمال آسوده گردد از جلال

۲۲- از کدام بیت مفهوم بیت زیر دریافت می‌شود؟

«نامم افروز و آب‌رویم کاست
(۱) آسیای فلک از آب مروّت خالی است
(۲) پای در زنجیر پیش دوستان
(۳) چو آبروی قناعت نمی‌برم ز طلب
(۴) مرا ز نان جو خویش چهره گاهی به

۲۳- سروده زیر تداعی‌کننده مفهوم کدام بیت است؟

«ریشه‌های ما به آب / شاخه‌های ما به آفتاب می‌رسد / ما دوبار سبز می‌شویم.»

(۱) با امید وصل از درد جدایی پاک نیست
(۲) زلیخا همتی در عرصه عالم نمی‌یابد
(۳) عیبی به آسمان چهارم نمی‌گریخت
(۴) واصل شود به چشمه خورشید شبنمش

۲۴- مفهوم متن زیر از کدام بیت استنباط می‌شود؟

«تو نیز تیرانا! گشاده‌دستی و کرامت را از درختان میوه‌دار بیاموز و از بوستان و بالیز که به هر بهار سراپا شکوفه
باشی و پای تا سرگل.»

(۱) از خسیسان مت احسان کشیدن مشکل است
(۲) اگر هزار گنه بینی از سپهر دو رنگ
(۳) زندگی خواهی سخاوت کن که بر روی زمین
(۴) ندارد هیچ‌کس چون ابر آیین سخاوت را

۲۵- همه ابیات با بیت زیر «تقابل» مفهومی دارد؛ بجز:

«آیین طریق از نفس پیر مغان یافت
(۱) اندر بیابان‌های سخت ره برده‌ای بی‌راهبر
(۲) ز کاهلی تو مقید به زهنما شده‌ای
(۳) مرا مستغنی از تعلیم دارد سینه روشن
(۴) مرا از وادی سرگستگی دل چون برون آرد

روز اول رنگ این ویرانه ویران ریختند
عاشقان خانه خرابند ز معماری دل
تا نو نهد اساس که نو بهتر از کهن
بود ز چهره زرین زر خزانه عشق
هیچ پروا عاشق دیوانه را از سنگ نیست

بینوایی به از مذلت خواست
تا دلت چاک چو گندم نشود نان مطلب
به که با بیگانان در بوستان
به کوی عزلت همسایه هما شده‌ام
که از شراب حریفان سقله گلزاری

کاروان صبح آید از قفای نیم شب
به امید که آید یوسف از چاه بیرون
می‌داشت زیر چرخ گر امید همدمی
هر دل که آب شد ز فروغ جمال گل

نار ماه مصر از اخوان کشیدن مشکل است
بر او بیخش که بخشیدن گناه خوش است
دیر ماند هر که فیض خود رساند بیشتر
که گوهر می‌فشانند و ز خجالت آب می‌گردد

آن خضر که فرخنده پی‌اش نام نهادند
وین از تو گل باشد ای شاه زمانه وز یقین
و گرنه رفتن دل راهبر نمی‌خواهد
به رهبر حاجتی در وادی ایمن نمی‌باشد
چه سان رهبر شود آواره را آواره دیگر